

# سعدی شیرازی

احوال زندگی :

ابومحمّد مُشرف‌الدین مُصلِح بن عبدالله بن مشرّف، متخلص به سعدی (۶۰۶ – ۶۹۰ هجری قمری)، شاعر و نویسندهٔ پارسی‌گوی ایرانی است. اهل ادب به او لقب استادِ سخن، پادشاهِ سخن، شیخِ اجلّ و حتی به‌طور مطلق، استاد داده‌اند. او در نظامیهٔ بغداد – که مهم‌ترین مرکز علم و دانش جهان اسلام در آن زمان به حساب می‌آمد – تحصیل و پس از آن به‌عنوان خطیب به مناطق مختلفی از جمله شام و حجاز سفر کرد. سعدی سپس به زادگاه خود، شیراز، برگشت و تا پایان عمر در آن‌جا اقامت گزید. آرامگاه وی در شیراز واقع شده‌است که به سعدیه معروف است.

## آثارش:

وی در کتاب کلیات سعدی، شامل گلستان به نثر، کتاب بوستان در قالب مثنوی و نیز غزلیات، گردآوری شده است. علاوه بر این او آثاری در سایر قالب‌های ادبی نظیر قصیده، قطعه، ترجیع‌بند و تکبیت به زبان فارسی و عربی نیز دارد. غزلیات سعدی، اغلب عاشقانه و توصیف‌کنندهٔ عشق زمینی است؛ هرچند که وی غزلیات پندآموز و عارفانه نیز سروده است. گلستان و بوستان به‌عنوان کتاب‌های اخلاقی شناخته می‌شوند و علاوه بر فارسی‌زبانان، بر اندیشمندان غربی از جمله ولتر و گوته نیز تأثیرگذار بوده‌اند.

# تأثیر نفوذ کلام سعدی بر عوام

سعدی تأثیر انکارناپذیری بر زبان فارسی گذاشته است؛ به طوری که شباهت قابل توجهی بین فارسی امروزی و زبان سعدی وجود دارد. آثار او مدت‌ها در مدرسه‌ها و مکتب‌خانه‌ها به عنوان منبع آموزش زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌شده و بسیاری از ضرب‌المثل‌های رایج در زبان فارسی از آثار وی اقتباس شده است.

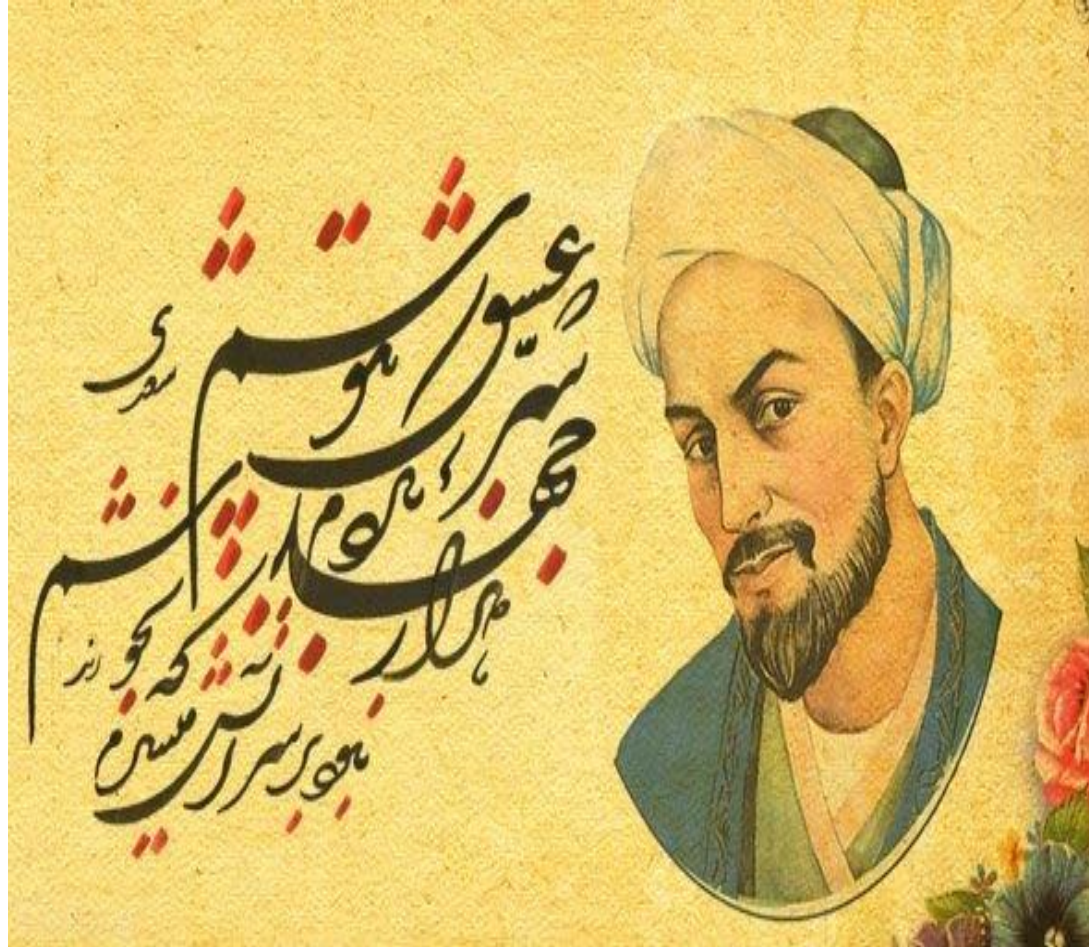
## سهل ممتنع :

آثار سعدی در اصطلاح سهل ممتنع (ساده دشوار) است و در آن‌ها نکته‌سنجی و طنز آشکار یا پنهان ملاحظه می‌شود.

## شهرت سعدی در دنیای علم ادب :

سعدی در زمان حیات شهرت فراوانی داشت. آثار او حتی در هندوستان، آسیای صغیر و آسیای میانه به زبان فارسی یا به صورت ترجمه در دسترس مخاطبانش قرار داشت.

# غزل سعدی شیرازی



بی تو حرامست به خلوت نشست  
حیف بود در به چنین روی بست  
دامن دولت چو به دست او فتاد  
گر بهلی باز نیاید به دست  
این چه نظر بود که خونم بریخت  
وین چه نمک بود که ریشم بخت  
هر که بیفتاد به تیرت نخاست  
وان که درآمد به کمندت نجست  
ما به تو یکباره مقید شدیم  
مرغ به دام آمد و ماهی به شست  
صبر قفاخورد و به راهی گریخت  
عقل بلا دید و به کنجی نشست